

فرهنگ انتظار

نویسنده : آیت الله ناصری دولت آبادی

یکی از راه‌های به یاد امام بودن، تجدید عهد با آن بزرگوار است؛ بلکه از زیباترین جلوه‌های یاد امام مهدی (ع) در زندگی منتظران، آن است که هر روز با او تجدید عهد کرده، پیمان وفاداری ببندند و نیز استواری خود را بر آن عهد اعلام کنند. کسی که دعای عهد را پیوسته بخواند و از عمق جان به مضامین آن پایبند باشد، هرگز به سستی گرفتار نمی‌شود و در تحقق آرمان‌های امام و زمینه‌سازی برای ظهور آن بزرگوار، لحظه‌ای از پای نمی‌نشیند.

فضیلت انتظار و ارزش منتظر

- یکی از مسائل مهمّ مربوط به مهدویت، مسئله «انتظار» است. در شماره قبل موضوع انتظار، مفهوم‌شناسی و تحریف‌زدایی شد. اینک به روایاتی که درباره ارزش انتظار و ثواب منتظران وارد شده است، اشاره می‌کنیم. این روایات، بسیار فراوانند و ما برای نمونه، شماری از آنها را نقل می‌کنیم:
۱. همگامان شهدای بدر و احد: امام سجاد (ع) فرمود: «هر کس که در زمان غیبت غائب ما بر ولایت ما ثابت قدم بماند، خداوند اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او عطا می‌کند»^۱.
 - ارزش شهدای بدر را - که اسلام بنا بر حمایت آنان قوّت یافت - نمی‌توان بیان کرد؛ اما بنابراین حدیث شریف، منتظران حضرت حجت (ع) که در زمان غیبت و طولانی شدن آن، بر ولایت اهل بیت (ع) پایدار می‌مانند، ثواب یک هزار نفر از شهیدان غزوه‌های بدر و احد را احراز خواهند کرد و این، نشان‌دهنده ارزش منتظران در مکتب الهی تشیع است.
 ۲. روزه‌داران شب زنده‌دار: حضرت باقر (ع) در حدیثی شریف که در شماری از جوامع روایی وارد شده است، درباره ارزش منتظران فرمود: «بدانید کسی که منتظر این امر [= ظهور امام زمان] باشد، ثواب کسی را دارد که روزها را روزه داشته و شب‌ها به عبادت الهی بر پای ایستاده باشد»^۲.
 ۳. همراهی پیامبر اعظم (ص): از رسول گرامی اسلام (ص) درباره منتظران پرسیدند؛ حضرت، چنین فرمود: «او مانند کسی است که همراه [حضرت] قائم، در خیمه آن حضرت [آماده به خدمت] باشد. آنگاه حضرت صادق (ع)، پس از تأملی کوتاه فرمود: او مانند کسی است که همراه رسول الله (ص) بوده است»^۳.
 ۴. راه نجات از هلاکت: حضرت امام حسن عسکری (ع) می‌فرماید:
- «مثل این فرزند من... در این امت، همانند حضرت خضر و حضرت ذوالقرنین است. به خدا قسم! او غیبتی خواهد داشت که در آن، هیچ کس از هلاکت نجات نمی‌یابد، مگر آن کس که خداوند او را بر اعتقاد به امامت امامان پایدار دارد و به دعا برای تعجیل در فرج آن حضرت موفق سازد»^۴.

۵. برترین مردمان: امام سجاد(ع) فرمود: «آنان که زمان غیبت او زندگی می‌کنند و به امامت او اعتقاد داشته و منتظر ظهور او هستند، از مردمان همه زمان‌ها برتر می‌باشند». ۵.

حکمت فضیلت انتظار

روایات این باب همه نشان از ارزش انتظار و جایگاه منتظران از نگاه معصومان دارد؛ ولی چرا این همه فضیلت برای انتظار برشمرده شده است؟

اینک برخی از حکمت‌های آن را برمی‌شماریم:

اول: دینداری در دوره آخرالزمان، حقیقتاً دشوار است؛ به طوری که در برخی روایات شخص منتظر را به کسی تشبیه کرده‌اند که گویی از آتش در دست دارد یا می‌خواهد بوته خاری را با دست از زمین در آورد.

دوم: طبق روایات، ارزش اعمال به نیت آن است. هر چه نیت، خالص‌تر و بزرگ‌تر باشد، ارزش عمل بیشتر است. ارزش انتظار نیز، متناسب با منتظر (امر مورد انتظار) شکل می‌گیرد. اگر کسی منتظر کسب مدرک تحصیلی باشد، انتظار او به اندازه مدرک تحصیلی ارزش دارد. اگر شخص دیگری منتظر زیارت خانه خداوند باشد، ارزش معنوی انتظار او به اندازه زیارت خانه خداوند است.

شخص منتظر در انتظار ظهور مهدی فاطمه(ع) تحقق همه خوبی‌ها را در عالم و برای همه مخلوقات در جان خود می‌پرورد. انسان منتظر در اثر این انتظار، ارزشی والا پیدا می‌کند؛ ارزش و مقامی که در اثر آن، همراه و همگام اولیای الهی از خاتم پیامبران تا خاتم اوصیا، هم رتبه شهدای بدر و احد، هم دوش اصحاب پیامبر اکرم(ص) و مانند کسی است که تمام عمر به روزه‌داری و تهجد پرداخته است.

سوم: از روایت پیامبر اکرم(ص) می‌توان فهمید که آنان برترین مردم دوران‌ها هستند. آن حضرت به امیرمؤمنان، علی(ع) فرمود: «ای علی! بدان که شگفت‌انگیزترین ایمان‌ها در مردم و بزرگ‌ترین یقین‌ها در ایشان از آن گروهی در آخرالزمان است که پیامبر را درک نکرده‌اند و امام هم از دیدگان‌شان پوشیده است و به سیاهی روی سفیدی (نوشته‌های روی کاغذ) ایمان آورده‌اند». ۶.

وظایف منتظر

در این مرحله، سؤالی به ذهن خطور می‌کند که وظیفه انسان منتظر چیست؟ با توجه به روایات، آیا وظایفی برای رسیدن به این مقام والا بر عهده او گذاشته شده است؟

چنانکه در بخش قبلی گذشت، انتظار ارزشی بس والا و عظیم دارد که دستیابی به این جایگاه، وظایفی را بر دوش انسان قرار می‌دهد. در روایات و بیانات پیشوایان دین، وظایف فراوانی برای منتظران ظهور بیان شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. شناخت امام

پیمودن جاده انتظار، بدون شناخت امام منتظر ممکن نیست. استقامت و پایداری در وادی انتظار، وابسته به درک صحیح از پیشوای موعود است؛ بنابراین علاوه بر شناخت امام - به اسم و نسب - لازم است درباره جایگاه امام و رتبه و مقام او نیز آگاهی کافی به دست آورد. ابونصر خدمتگزار امام حسن عسکری (ع) می گوید:

بیش از غیبت امام مهدی (ع) خدمت آن حضرت رسیدیم. امام مهدی (ع) از من پرسید: «آیا مرا می شناسی؟» پاسخ دادم: آری، شما سرور من، فرزند سرور من هستید. امام فرمود: «مقصود من چنین شناختی نبود». گفتم: خودتان بفرمایید. امام فرمود: «من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم. خداوند به واسطه [برکت] من، بلا را از خاندان و شیعیانم دور می کند». ۷.

در این روایت و امثال آن، حضرت مسیر معرفت امام را مشخص کرده و گویی می فرماید: باید جایگاه امام در مجموعه نظام هستی شناخته شود و رابطه امام با پیامبر و نبوت درک شود. از دیگر ابعاد معرفت امام، شناختن سیره و صفات امام است. این بعد از شناخت، تأثیر گسترده ای در رفتار و خلق و خوی منتظر می گذارد. پرواضح است هر اندازه معرفت انسان به جایگاه امام و به زوایای گوناگون زندگی امام و حجت الهی بیشتر و عمیق تر باشد، آثار آن در بخش های گوناگون زندگی بیشتر خواهد بود.

۲. الگوپذیری و اقتدا

شناخت به تنهایی کافی نیست. شناختی کافی و وافی است که به مرحله الگوپذیری بینجامد. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) این گونه وارد شده است: «خوشا به حال کسی که قائم خاندان مرا درک کند؛ در حالی که پیش از دوران قائم، به او و امامان قبل از او اقتدا کرده و از دشمنان او اعلام بیزاری کرده باشد. آنان دوستان و همراهان من و گرامی ترین امت نزد من هستند». ۸.

آری؛ ادعا در انتظار و تشیع کافی نیست؛ بلکه باید اقتدا کرد. راه اقتدا کردن، همان تهذیب نفس است. در این میان اخلاص در عمل، نقش به سزایی دارد.

اگر هر یک از منتظران، می توانند ثواب هزار تن از شهدای بدر را در کارنامه خود داشته باشند، واضح است که باید با آنان سنخیت داشته باشند؛ لذا اصلاح نفس و اخلاص در عمل، یکی از مهم ترین وظایف منتظران در دوران غیبت به شمار می رود.

امام ششم (ع) فرمود: «هر کس دوست دارد از یاران قائم باشد، باید در حالی که منتظر است، اعمال صالح انجام دهد و ورع پیشه کند». ۹.

آری؛ از منتظران مصلح، جز این توقع نیست که از امام الگوپذیری کرده و خود نیز صالح باشند. در غیر این صورت وقتی سنخیتی میان این دو نباشد نسبتی هم، چه پیش از ظهور و چه پس از ظهور میان شیعه و امام

برقرار نمی‌شود.

۳. یاد امام

آنچه پایداری در راه انتظار را به دنبال دارد و منتظران را در کسب معرفت و پیروی از آن بزرگوار یاری می‌کند، پیوستگی و ارتباط مداوم با آن طیب جان‌هاست.

یاد امام، در قالب‌های متعددی سفارش شده است؛ از جمله زمزمه کردن دعای عهد در چهل بامداد، دعا برای فرج امام زمان(ع)، صدقه دادن برای سلامتی حضرت، خواندن دعای ندبه و... به راستی وقتی آن امام مهربان، همیشه و همه جا به حال شیعیان خود نظر دارد و لحظه‌ای آنها را از یاد نمی‌برد، آیا رواست که دلدادگان روی او، به دنیا و تعلقات آن سرگرم شده، از آن عزیز، غافل و بی‌خبر بمانند؟ آیا راه و رسم دوستی و محبت این نیست که در همه حال او را بر خود و دیگران مقدم بدارند؟

یکی از راه‌های به یاد امام بودن، تجدید عهد با آن بزرگوار است؛ بلکه از زیباترین جلوه‌های یاد امام مهدی(ع) در زندگی منتظران، آن است که هر روز با او تجدید عهد کرده، پیمان وفاداری ببندند و نیز استواری خود را بر آن عهد اعلام کنند. کسی که دعای عهد را پیوسته بخواند و از عمق جان به مضامین آن پایبند باشد، هرگز به سستی گرفتار نمی‌شود و در تحقق آرمان‌های امام و زمینه‌سازی برای ظهور آن بزرگوار، لحظه‌ای از پای نمی‌نشیند و به راستی، شایسته حضور در میدان یاری آن ذخیره الهی خواهد بود.

امام صادق(ع) فرمود: «هر کس چهل بامداد خدا را با این عهد بخواند، از یاوران قائم ما خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبرش بیرون آورد [تا قائم(ع) را یاری دهد]...» ۱۰. خلاصه اینکه باید روز و هفته و ماه و سال و تمام لحظات زندگیمان، از نام و یاد حضرت آکنده باشد.

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵؛ کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۷.
۲. کافی، ثقفی، [الاسلام کلینی، ج ۲، ص ۲۲۲، ح ۴؛ بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۷۳.
۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵؛ المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۱۴۶.
۴. اعلام الوری، امین الاسلام فضل الله بن حسن طبرسی، ص ۴۳۹؛ الصراط المستقیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، ج ۲، ص ۲۳۱؛ منتخب الانوار، ص ۱۴۳.
۵. احتجاج، ابومنصور احمد بن علی طبرسی، ج ۲، ص ۳۱۷.
۶. کمال الدین، ج ۲، باب ۲۵، ح ۸.
۷. همان، باب ۹۳، ح ۱۲، ص ۱۷۱.
۸. همان، ج ۱، باب ۲۵، ح ۳، ص ۵۳۵.
۹. غیبت نعمانی، محمد بن ابراهیم نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۷.
۱۰. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۵.